

The nature and typology of the principle of separation in war and jihad based on Islamic texts and international law

Received: 2021-04-16

Accepted: 2021-07-30

Muhammad Ali Heidari Mazra'e Akhund *

Seyed Abbas Tabatabaei **

Hussei Abuei Mehrizi ***

The aim of the present study is a comparative study of the typology of the principle of separation in Islamic verses and hadiths and international treaties. Using descriptive-analytical method, it was shown that the principle of segregation, meaning the separation of military from civilian, is one of the most important principles of Islamic teachings and international law. While international humanitarian organizations presented it to the international community much later, in the contemporary period, in the form of international agreements. The types of the principle of segregation include segregation between individuals, possibilities, trials, weapons and methods of use in war. The verses that prohibit corruption and the destruction of property and generation, the rule of minister, justice and the denial of sin, refer to the prohibition of weapons of mass destruction and, in other words, to the principle of separation of permitted and unlawful weapons. Although the times of the prohibition of war and conflict are few in the international community, but in the Holy Qur'an and according to the principle of segregation, it has been dealt with explicitly.

Keywords: Jihad, Principle of Separation, Military, Civilians, International Humanitarian Law.

* Assistant Professor of Quranic Sciences and Hadith, Yazd University, Yazd, Iran (Responsible author) (heydari@yazd.ac.ir).

** PhD student in Comparative Interpretation, Yazd University, Yazd, Iran (s.a.tabatabaei46@gmail.com).

*** Associate Professor of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Yazd University, Yazd, Iran (habuey@yazd.ac.ir).



ماهیت و گونه‌شناسی اصل تفکیک در جنگ و جهاد

بر اساس متون اسلامی و قوانین بین‌الملل

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۲۷

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۵/۸

محمدعلی حیدری مزرعه آخوند *

سیدعباس طباطبایی **

حسین ابویی مهریزی ***



هدف پژوهش حاضر، بررسی تطبیقی گونه‌شناسی اصل تفکیک در آیات و روایات اسلامی و عهدنامه‌های بین‌المللی است. با استفاده از روش تحلیل محتوا نشان داده شد که اصل تفکیک به معنای جدا نمودن مصادیق نظامی از غیرنظامی، از مهم‌ترین اصول آموزه‌های اسلامی و حقوق بین‌الملل بوده و مفاد این اصل قرن‌ها قبل، در آیات قرآن و روایات مورد توجه جدی بوده است؛ در حالی که سازمان‌های بین‌المللی بشردوستانه در دوره معاصر، به صورت قراردادهای بین‌المللی آن را به جامعه جهانی عرضه داشته‌اند. گونه‌های اصل تفکیک، شامل تفکیک بین افراد، امکان، ازمنه، اسلحه و روش‌های به‌کارگیری در جنگ است و آیات جهاد در قرآن کریم، بزرگ‌ترین مستند مکتب اسلام بر تفکیک افراد نظامی از غیرنظامی، مکان‌ها و زمان‌های جنگ و نیز روش‌ها و سلاح‌های جنگی است. آیات متضمن منع فساد و هلاکت حرث و نسل، قاعدهٔ وزر، عدالت‌ورزی و نفی اثم، بر ممنوعیت سلاح‌های کشتار جمعی و به تعبیری بر اصل تفکیک سلاح‌های مجاز و غیرمجاز دلالت دارد. گرچه زمان‌های ممنوعیت جنگ و مخاصمه، در جامعه بین‌المللی کم‌رنگ بوده، ولی در قرآن کریم و براساس اصل تفکیک، به‌روشنی به آن پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: جهاد، اصل تفکیک، نظامیان، غیرنظامیان، حقوق بشردوستانه بین‌المللی.

* استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول). (heydari@yazd.ac.ir).

** دانشجوی دکتری رشته تفسیر تطبیقی دانشگاه یزد، یزد، ایران. (s.a.tabatabaei46@gmail.com).

*** دانشیار فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه یزد، یزد، ایران. (habuey@yazd.ac.ir).

یکی از پیامدهای جنگ‌ها، به مخاطره افتادن موجودیت افراد و اماکن غیرنظامی است. از آن‌جا که غیرنظامیان همواره بخش بزرگی از تلفات جنگ‌ها هستند، ضرورت کاهش آثار مخاصمات مسلحانه بر آنان، از دیرباز مورد توجه فرستادگان الهی، مصلحان اجتماعی و نظام‌های حقوقی بین‌المللی بوده است. مقررات جنگ در آیین‌های مختلف حاکی از وجود رویه‌هایی است که کم‌وبیش به آن‌ها پایبند بوده‌اند؛ یکی از این رویه‌ها، تفکیک امور نظامی از غیرنظامی در جنگ است. در این میان، اسلام مبتکر گونه‌های متعدد تفکیک دستورهای جنگ و جهاد و مقررات اماکن و افراد نظامی و غیرنظامی بوده است. محدود نمودن جنگ در برخی ماه‌ها، منع به کارگیری برخی سلاح‌ها و روش‌ها، از مهم‌ترین گونه‌های اصل تفکیک در جهاد اسلامی است. در آیات قرآن کریم، احادیث و منابع تفسیری و فقهی به مصادیق متعددی از اصل تفکیک اشاره شده است که در اثنای بحث به آن‌ها استناد خواهد شد. در منابع امروزی نیز برخی پژوهشگران در مبحث تخصصی مورد نظر خود، به اصل تفکیک پرداخته‌اند؛ نویسندگان مقاله «عدم مشروعیت کاربرد سلاح هسته‌ای در پرتو اصل تفکیک با رویکرد اسلامی» (قربان‌نیا و اخگری بناب، ۱۳۹۰، ص. ۲۸) کوشیده‌اند تا با توجه به اصل تفکیک و جایگاه آن در مقررات اسلامی و بین‌المللی، نقض این اصل را در صورت استفاده از سلاح‌های هسته‌ای توسط متخاصمان نشان دهند. همچنین در مقاله «جنگ اطلاعات از منظر اصل تفکیک رزمندگان و غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه» (اقبال، ۱۳۹۷، ص. ۳۴) این موضوع مورد توجه نویسنده قرار گرفته است. هر دو مقاله بخشی از اصل تفکیک در جنگ را مورد توجه قرار داده‌اند و به تطبیق آن در آیات، روایات و حقوق بین‌الملل پرداخته نشده است.

با این پیشینه، سؤال اصلی پژوهش بر این مبنا استوار است که اولاً اصل تفکیک در آیات و روایات جهاد اسلامی در چه گونه‌ها و انواعی مطرح شده است؟ و ثانیاً مطابقت قوانین حقوق بین‌الملل با آن‌ها چگونه است؟ پاسخ به این دو سؤال، می‌تواند پیش‌تازگی اسلام در مقررات انسانی جنگ را آشکار سازد و جواب علمی و مستدلی باشد برای کسانی که دین اسلام را فاقد قوانین و مقررات انسان‌دوستانه بین‌المللی در خصوص حقوق جنگ می‌دانند. این پژوهش مبتنی بر این فرضیه است که اسلام از ۱۴ قرن پیش، در آیات قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام حقوق جنگ را به بهترین شکل ممکن به تصویر



کشیده‌است. لذا این نوشتار می‌کوشد با روش تحلیل محتوا، در ابتدا گونه‌های تفکیک را استخراج، سپس با بهره‌گیری از آیات و روایات، موارد مختلف تفکیک و تمایزهای متعدد در جهاد اسلامی را ریشه‌یابی، گونه‌شناسی و دسته‌بندی نماید؛ در ادامه، به بیان و بررسی مفاهیم مرتبط با آن در عهدنامه‌ها، پروتکل‌ها و مقررات حقوق بین‌الملل پرداخته می‌شود.

۲- مفهوم‌شناسی

۲-۱) جهاد

جهاد از ریشه «ج ه د» به معنای تلاش، کوشش و به‌نهایت چیزی رسیدن است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج. ۳، ص. ۲۷). جهاد از آموزه‌های اسلامی، به معنای کوشیدن همراه با فداکاری در راه خدا، با جان، مال و دیگر داشته‌های انسانی است و در اصطلاح، به جنگ‌ها و مبارزه‌هایی گفته می‌شود که با هدف گسترش اسلام و یا دفاع از آن انجام می‌گیرد (هیکل، ۱۴۱۷، ج. ۱، ص. ۴۴). در متون اسلامی، جهاد به دو بخش ابتدایی و دفاعی تقسیم می‌شود؛ جهاد ابتدایی یکی از انواع جهاد نزد مسلمانان است که انگیزه آن طرد موانع دعوت غیرمسلمانان به اسلام، یا دفع خطر حمله آنان است؛ این نوع جهاد از سوی مسلمانان برای گسترش اسلام آغاز می‌شود (مومن، ۱۳۸۰، ص. ۳). جهاد دفاعی عبارت است از پیکار با هدف دفاع از اسلام و سرزمین‌های اسلامی در برابر دشمن مهاجمی که اساس اسلام را تهدید می‌کند، یا قصد استیلا بر سرزمین‌های اسلامی، ناموس و اموال مسلمانان و یا کشتن گروهی از مسلمانان را دارد (شهید ثانی، ۱۴۰۹، ج. ص. ۳۸۱).

۲-۲) اصل تفکیک

«اصل تفکیک»^۱ در جنگ و جهاد، به این معناست که بین دو دسته مصادیق نظامی و غیرنظامی در منازعات مسلحانه، با هر شکل و ماهیت، می‌بایست تفکیک قائل شد؛ زیرا خصومت فقط در مصادیق و نیروهای مسلح مجاز است و این یک قاعده بنیادین و لازم‌الاجراء در نظام حقوقی اسلام است. بدین معنی که، نظامیان (رزمنده‌گان و سربازان) باید در تمامی زمان‌ها، بین جمعیت و اهداف نظامی و غیرنظامی دشمن تمایز قائل شوند و حملات خود را تنها متوجه نظامیان و اهداف نظامی نمایند و با اجتناب از هرگونه حمله علیه غیرنظامیان، اهداف غیرنظامی آن‌ها را مورد تعرض قرار ندهند (قربان‌نیا،





۱۳۸۷، ص. ۱۷۳). در پروتکل‌ها و قراردادهای بین‌المللی نیز به اصل تفکیک به‌طور مفصل پرداخته شده و بر تمایز اهداف نظامی و غیرنظامی به‌طور عام و افراد نظامی و غیرنظامی به‌طور خاص تأکید شده‌است (زنجیریان، ۱۳۸۱، ص. ۱۵۲). برای به حداقل رساندن خسارت‌ها و صدمه‌ها به غیرنظامیان، مقرراتی در حقوق بین‌الملل وضع شده که در کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و شورای امنیت سازمان ملل نیز به تصویب رسیده‌است.

۳- گونه‌های اصل تفکیک در اسلام و قوانین بین‌المللی

گونه‌های تفکیک شامل تفکیک بین افراد نظامی و غیرنظامی، سلاح‌های مجاز و غیرمجاز و روش‌های جنگی، مکان‌های نظامی و غیرنظامی و درنهایت تفکیک بین زمان‌های مجاز و غیرمجاز در جنگ است که در ادامه به شرح آن‌ها می‌پردازیم.

۳-۱) تفکیک بین افراد نظامی و غیرنظامی

۳-۱-۱) از منظر قرآن کریم

اصل تفکیک بین افراد نظامی و غیرنظامی ریشه قرآنی دارد. خداوند متعال در قرآن کریم، با تشریح جهاد علیه افراد نظامی و برحذر داشتن جهادگران از تعدی به غیرمقاتل و افرادی که نقشی در جنگ ندارند، می‌فرماید: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره، ۱۹۰). مفهوم آیه این است که عملیات جنگی فقط علیه کفار مقاتل مجاز است و تجاوز از آن مورد نهی شدید الهی است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج. ۲، ص. ۱۱۱؛ طوسی، ۱۴۱۲، ج. ۲، ص. ۱۴۳).

غیرنظامیانی که ریختن خون آن‌ها مجاز نیست مواردی چون اشخاص از کارافتاده، زنان، اطفال، بیماران، قاصدان، دیوانگان، راهبان، اشخاص کناره‌گرفته از جنگ و افرادی که کشتن آن‌ها بنابر مصلحتی ممنوع است را شامل می‌شود (حسینی شیرازی، ۱۴۰۹ق، ج. ۴۷، ص. ۲۰۵). البته زنان و کودکان در زمان پیامبر ﷺ بارزترین مصداق غیرنظامیان و استثنایات قتال در جنگ بودند و کشتن آن‌ها از مصادیق «اعتداء» به‌شمار می‌آمد (جرجانی، ۱۳۷۷، ج. ۱، ص. ۲۳۱؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج. ۳، ص. ۶۹؛ قطب راوندی، ۱۴۰۵ق، ج. ۱، ص. ۳۳۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج. ۲، ص. ۵۱۰).

طبری در جامع‌البیان بر این باور است که «لا تعتدوا» شامل دو گروه است، یکی کسانی که قدرت جنگیدن با شما را دارند، ولی با شما نمی‌جنگند؛ اگر همین مراد آیه باشد، با «حیث ثقتموهم» در آیه ۱۹۱ سوره بقره نسخ شده‌است. دوم کسانی که قدرت جنگیدن ندارند، مثل صبیان، نساء و رهبان، که نسخ نشده‌است، زیرا فراز

«حيث تفتتموهم» دليل بر کشتن صبيان، نساء و رهبان نيست (طبري، ۱۴۱۲ق، ج. ۲، ص. ۱۱۲). يکي از مهم‌ترين عرصه‌هاي اجراء عدالت - به‌عنوان يکي از مهم‌ترين اهداف اسلام - ميدان نبرد است. لذا خداوند در قرآن کریم با تأکيد بر رعايت قاعده عدالت - حتی در هنگام جنگ - می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (مائده/۸). اين آيه با تأکيد بر عدل و قسط در زمان جنگ، حتی تجاوز دشمن را دليلی برای عدم اجراء عدالت نمی‌داند. از اين‌رو، قتل با غيرنظاميانی که دخالتی در جنگ ندارند، منع شده‌است.

۳-۱-۲) از منظر احاديث

احاديث و روايات نیز بر ممنوعيت کشتار زنان و کودکان در زمان جنگ و اصل تفکيک نظاميان از غيرنظاميان تأکيد دارند. از امام صادق عليه السلام نقل شده‌است که پيامبر اکرم صلى الله عليه وآله هرگاه می‌خواست لشکری را برای جنگ اعزام کند می‌فرمود: «سِيرُوا بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ... وَلَا تَقْتُلُوا شَيْخًا فَانِيًّا وَ لَا صَبِيًّا وَ لَا امْرَأَةً ...» يعني با نام خداوند و در راه خداوند به جهاد پردازيد و از کشتن پيرمردان و زنان و کودکان اجتناب کنید. (کليني، ۱۴۰۷ق، ج. ۵، ص. ۲۷؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج. ۱۵، ص. ۵۸) پيامبر صلى الله عليه وآله پس از مواجهه با جسد يک زن در صحنه نبرد و پرسش از علت قتل او دستور دادند: از تعرض و کشتن زنان و کودکان پرهيز شود (جزری، ۱۴۰۹ق، ج. ۲، ص. ۵۰؛ واقدي، ۱۴۰۹ق، ج. ۳، ص. ۹۱؛ مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج. ۲، ص. ۱۸؛ ابن کثير دمشقی، ۱۴۰۷ق، ج. ۴، ص. ۳۳۷). همچنين زمانی که به رسول اکرم صلى الله عليه وآله خبر دادند که مسلمانان اطفال مشرکان را به قتل می‌رسانند، ایشان با نهي شديد اين کار، در جواب کسانی که دليل می‌آوردند که آنها اولاد مشرکان هستند، فرمودند: مگر شما فرزندان مشرکان نبوديد (نسائی، ۱۴۱۱ق، ج. ۵، ص. ۱۸۴؛ ابن حنبل، بی‌تا، ج. ۳، ص. ۴۳۵).

ابوحزمه ثمالی از امام صادق عليه السلام نقل کرده‌است که پيامبر اکرم صلى الله عليه وآله به افراد هنگام عزيمت به جنگ می‌فرمود: مبدا مرتکب خيانت شويد، از مثله‌کردن دوری کنید، سالخوردگان، کودکان و زنان را نکشيد، اگر عهدي بستيد عهدشکنی نکنيد... (کليني، ۱۴۲۹ق، ج. ۹، ص. ۴۰۹). رسول خدا کشتن زنان و فرزندان دارالحراب را نهي کرده‌اند (کليني، ۱۴۲۹ق، ج. ۱، ص. ۴۱۲). همچنين در روايات، کشتن مجروحان و فراريان نیز جايز نيست (کليني، ۱۴۰۷ق، ج. ۵، ص. ۳۳؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج. ۶، ص. ۱۴۴؛ حرعاملی، ۱۴۱۲ق، ج.



۱۵، ص. ۷۴). البته تعقیب نکردن فراریان مشروط به عدم ساماندهی مجدد آن‌ها است. گزارش‌های تاریخی نیز بر این نکته تأکید دارند، امام علی علیه السلام در اثنای جنگ جمل، مجروحان و فراریان را رها می‌کرد، چون مرکز فرماندهی و سازماندهی مجدد آن‌ها نابود شده بود، ولی در جنگ صفین به تعقیب و قتل آن‌ها حکم کرد، چون مرکز سازماندهی مجدد آن‌ها، یعنی دستگاه معاویه، برپا بود (نوری، ۱۳۶۶، ج. ۱۱، ص. ۵۱؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج. ۲۱، ص. ۳۲۹).

گروگان‌ها و پیک‌های جنگی از دیگر گروه‌هایی هستند که کشتن آن‌ها نهی شده‌است؛ امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند: پیک‌ها و گروگان‌ها را نکشید و به آن‌ها آسیبی نرسانید (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج. ۱۵، ص. ۱۱۷). در منابع اهل سنت هم، نهی از کشتن پیک و فرستاده دشمن آمده‌است. به‌عنوان مثال، از ابن مسعود نقل شده‌است که دو مرد که فرستاده مسیلمه بودند به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدند، پیامبر به آن‌ها فرمود: شهادت بدهید که من فرستاده خدا هستم، آن دو گفتند: شهادت می‌دهیم که مسیلمه فرستاده خداست، پیامبر فرمودند: اگر من کشته پیک و فرستاده بودم، بی‌گمان گردن شما را می‌زدم (نجفی، ۱۴۰۴، ج. ۲۱، ص. ۹۵). همچنین بر نهی از کشتن افرادی که با اکراه و زور در جنگ حاضر شده‌اند، تأکید فراوان شده‌است. پیامبر صلی الله علیه و آله در «روز بدر» به مسلمانان فرمودند: هرکس از فرزندان عبدالمطلب را که می‌توانید اسیر کنید، نکشید، زیرا آنان را از روی اکراه و زور به میدان آورده‌اند (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج. ۱۵، ص. ۱۱۷).

سیره علوی هم که ادامه همان سیره و روش نبی مکرم اسلام بود، بر ممنوعیت کشتن زنان و کودکان توجه و تأکید دارد. امیرالمؤمنین قبل از آغاز جنگ صفین، توصیه‌هایی به لشکریان خود نمودند و مخصوصاً آنان را از کشتن زنان برحذر می‌داشتند. (نهج البلاغه، ۱۴۱۴، ص. ۳۴۹) همچنین در بخشی از فرمان خود به مالک اشتر، زمانی که وی را به امارت مصر منصوب کرد، از ریختن خون‌های به ناحق برحذر داشتند. (همان، ص. ۳۸۱) بنابراین جلوگیری از کشتار زنان و کودکان در جریان مخاصمات مسلحانه، امر اجتناب‌ناپذیر و ازجمله قواعد آمره و دستورات تخلف‌ناپذیر جهادی اسلام محسوب می‌شود.

۳-۱-۳) از منظر فقه (تترس)

تترس از ماده «تُرس» به معنای سپر است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج. ۶، ص. ۳۲) و در اصطلاح، به این معناست که دشمن یا مهاجم برای این که مانع دفاع و یا حمله مسلمانان



شود، عده‌ای از مسلمانانی را که در دست آنان اسیرند، و بدون شک بی‌گناه هستند، را پیشاپیش سپاه خود به‌عنوان سپر انسانی قرار دهند و مسلمانان به‌هنگام دفاع (تیراندازی)، مجبور به هدف قراردادن مسلمانان اسیر غیرنظامی شوند. مسلمانان با این محظوریت، یا باید با دست برداشتن از دفاع، امکان حمله را به دشمن بدهند که به مسلمانان صدمه وارد کنند؛ و یا مسلمانان برای ایستادگی درمقابل دشمن و نابودی آن‌ها، ابتدا مسلمانان بی‌گناه غیرنظامی را، که سپر قرار گرفته‌اند، بکشند تا بتوانند به دشمن اصلی دسترسی پیدا کنند. سپر انسانی قرار دادن انسان‌های دیگر، در آموزه‌های اسلامی ممنوع است. خداوند در سوره فتح بر ممنوعیت قاعده تترس و سپر انسانی قرار دادن انسان‌های دیگر در جنگ تصریح دارد. (فتح، ۲۵) بر همین اساس، قرطبی در تفسیر خود می‌نویسد: فراز «لو تزیلوا..» اشاره دارد که با اهل مکه به این جهت که مؤمنانی در بین آن‌ها هستند، قتال نکنید (قرطبی، ۱۳۶۴، ج. ۱۶، ص. ۲۸۷).

حقوق بشردوستانه بین‌المللی نیز استفاده از سپر انسانی را ممنوع نموده‌است. در مقررات ۱۹۰۷ لاهه، بند ۲ ماده ۲۳ کنوانسیون سوم و ماده ۲۸ کنوانسیون چهارم ۱۹۴۹ ژنو و بند ۴ ماده ۱۲ و بند ۷ ماده ۵۱ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو، به صراحت سپر انسانی منع شده‌است. علاوه بر اسناد مطروحه، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، سند دیگری است که استفاده از سپر انسانی را ممنوع کرده‌است. به موجب شق ۲۳ جزء ب بند ۲ ماده ۸ اساسنامه دیوان، استفاده از حضور سکنه یا افراد غیرنظامی، برای مصون نگه‌داشتن مناطق یا نیروهای نظامی خاص درمقابل عملیات نظامی به‌هنگام مخاصمت‌های بین‌المللی، از مصادیق جنایت جنگی به‌شمار می‌رود. درمیان مقرراتی که استفاده از سپر انسانی را ممنوع دانسته‌اند، کامل‌ترین و جامع‌ترین مقرر، بند ۷ ماده ۵۱ پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ است که به‌طور استنادانه‌ای عبارت‌پردازی شده‌است. طبق این ماده، حضور یا نقل و انتقال سکنه یا افراد غیرنظامی برای مصونیت نقاط یا مناطق مشخص دربرابر عملیات نظامی نباید مورد استفاده قرار گیرد، خصوصاً در تلاش برای محافظت از اهداف نظامی دربرابر حمله و پشتیبانی یا ممانعت از عملیات نظامی، طرف‌های مخاصمه به‌منظور استتار اهداف نظامی، نباید دستور جابه‌جایی سکنه یا افراد غیرنظامی را بدهند (حبیبی و رضانی، ۱۳۹۳، صص. ۸۰-۸۱).

البته فقه اسلامی، در بعضی مواقع کشتن کسانی را که توسط دشمن سپر قرار گرفته‌اند، جایز می‌داند؛ به‌طور مثال، اگر جنگ در شدیدترین زمان خود باشد و هدف قرار



دادن افراد نظامی دشمن از پشت این سپر انسانی ناممکن و پیروزی بر دشمن، متوقف بر کشتن این افراد باشد، به‌ناچار کشتن این گروه جایز است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج. ۲۱، ص. ۷۴).

شهید مطهری در کتاب جهاد در این باره نوشته است: اگر خطری که از دشمن پیش‌بینی می‌شود مهم‌تر و عظیم‌تر است از ضرر کشتن این مسلمان‌ها، باید این مسلمان‌ها را کشت و آنها شهید در راه خدا هستند و از مجاهدان در راه خدا شمرده می‌شوند و شهیدی هستند که به‌عمد به‌دست خود مسلمان‌ها کشته شده‌اند، اینجاست که دو حرمت با یکدیگر تزاخم پیدا می‌کنند، حرمت کوچک‌تر و حرمت بزرگ‌تر؛ و حرمت کوچک‌تر فدای حرمت بزرگ‌تر می‌شود (مطهری، ۱۳۹۰، ج. ۲۱، صص. ۲۹۰-۲۹۱).

همچنین صاحب جواهر در این زمینه می‌گوید: «ولتترسوا بالنساء و الصبیان منهم و نحوهم ممن لا يجوز قتله منهم کالمجانین کف عنهم مع امکان التوصل إليهم بغیر ذلک للمقدمه، و إلا جاز و إن استلزم قتل الترس، خصوصاً إذا خیف من الکف عنهم الغلبه... و کذا لوتترسوا بالأساری من المسلمین و إن قتل الأسیر إذا لم یمكن جهادهم إلا کذلک.» چنانچه کفار در جنگ زنان و بچه‌های خود و کسانی که کشتن آن‌ها جایز نیست، همچون مجانین را، سپر قرار دهند، اگر امکان دسترسی به کفار بدون کشتن این افراد باشد، باید از کشتن افرادی که سپر قرار داده شده‌اند، خودداری نمود؛ در غیر این صورت، کشتن آن‌ها جایز است خصوصاً زمانی که رها کردن کفار موجب غلبه آن‌ها بر مسلمان‌ها بشود... و همچنین است اگر اسیران مسلمان را سپر قرار بدهند، در صورتی که امکان جهاد با آن‌ها بدون قتل این افراد امکان‌پذیر نباشد، هدف قرار دادن آن‌ها جایز است (نجفی، ۱۴۰۴، ج. ۲۱، ص. ۶۸).

۳-۱-۴) از منظر حقوق بین‌الملل

بر اساس قوانین بشردوستانه بین‌المللی، باید بین افراد نظامی و غیرنظامی فرق گذاشته شود. مضمون این قوانین در پروتکل‌های الحاقی ۱۹۴۹ و ۱۹۷۷ حمایت از غیرنظامیان در زمان جنگ به‌وضوح قابل درک است. کنوانسیون چهارم ۱۹۴۹ م لاهه در این خصوص، اولین موافقت‌نامه بین‌المللی است که به‌طور خاص به تنظیم این‌گونه حمایت‌ها می‌پردازد. این کنوانسیون، که بزرگ‌ترین کنوانسیون در بین کنوانسیون‌های چهارگانه است، اساساً به رفتار غیرنظامیان در دست دشمن (خواه در سرزمین مورد تصرف و خواه در توقیف) مربوط است که مقررات آن تا حد زیادی، به‌وسیله پروتکل اول ۱۹۷۷ ژنو منضم به کنوانسیون‌های چهارگانه تکمیل شده‌است (ظاهری، ۱۳۷۷،

ص. ۵۸). براساس ماده ۱۳ پروتکل الحاقی ۱۹۴۹، حمله مستقیم به افراد و جمعیت‌های غیرنظامی ممنوع است. این پروتکل، همچنین حمله به غیرنظامی‌ها و اعمال خشونت‌باری را که هدف عمده آن، گسترش ترس و وحشت در میان افراد غیرنظامی باشد، منع می‌کند (جهان‌تیغ و نجفی، ۱۳۹۷، ص. ۴۲).

علاوه بر این به موجب ماده ۱۴ پروتکل الحاقی ۱۹۴۹، به قحطی کشاندن جمعیت غیرنظامی ممنوع است. اصول کلی مستنبط از ماده ۵۲ پروتکل اول و پاراگراف ۴ الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹، اعلام می‌دارد که کشورهای متخاصم نباید مقرّ نیروهای نظامی خود را در نزدیکی شهرها و اماکن عمومی قرار دهند و چنانچه این شرط رعایت نشد، بمباران این مناطق باید به صورت محدود باشد. در ماده ۵۷ از پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ چنین آمده است: شناسایی نظامیان از غیرنظامیان ضروری است، حمله به اموال غیرنظامی ممنوع است، مگر آن‌ها که به لحاظ ماهیت، هدف یا کاربرد، سهم مؤثری در عملیات نظامی داشته باشند. ماده ۴۸ پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ نیز بر ضرورت تفکیک بین افراد نظامی و غیرنظامی تأکید دارد (همان، ص. ۵۲).

پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ سازمان ملل متحد نیز در حمایت از کودکان هنگام جنگ اعلام می‌کند که کودکان باید مورد احترام خاص باشند و از آن‌ها در برابر هر شکل از حمله ناشایست، حمایت شود. آن‌ها باید مراقبت و کمکی را که خواه به علت سن و یا به هر علت دیگر به آن نیاز دارند، دریافت نمایند (نگهداری، ۱۳۸۶، ص. ۳۴).

در مقام مقایسه بین احکام اسلام و حقوق بین‌الملل مشاهده می‌شود که احکام اسلام در این موارد، جامع‌تر و حتی به جزئیات هم پرداخته‌است، درحالی‌که حقوق بین‌الملل به صورت کلی از آن‌ها بحث می‌کند؛ به‌عنوان مثال، اینکه نباید مقرّ نظامی در کنار اماکن مسکونی باشد، مورد اشاره حقوق بین‌الملل بوده‌است، اما به چگونگی برخورد با آن، در صورت استقرار در کنار منازل مسکونی، اشاره‌ای ندارد.

۳-۲) اصل تفکیک بین سلاح‌های ممنوعه و غیرممنوعه

از دیگر موارد اصل تفکیک، تفکیک بین سلاح‌های مجاز و غیرمجاز در جنگ است. در اسلام، برخی از سلاح‌ها و روش‌های قتال ممنوع شده‌است؛ چرا که اسلام مکتب صلح است و جنگ را به‌عنوان یک پدیده تحمیلی می‌شناسد. در صورت وقوع این بالای خانمان سوز، به‌جهت جایگاه والای بشر و کرامت انسانی او، رعایت اصول عدالت و اخلاق را در رأس امور قرار داده‌است. اسلام بسیار زودتر از حقوق بشردوستانه امروزی، اصل را بر



عدم آزادی عمل در استفاده از هرگونه ابزار و روش جنگی در مخاصمات مسلحانه گذاشته و بخشی از قواعد جهاد را بر منع گونه‌های غیرمجاز سلاح‌ها اختصاص داده‌است که می‌تواند شامل بسیاری از سلاح‌های کشتار جمعی معاصر نیز باشد (جعفری، ۲۰۱۶م، ص. ۱). سلاح‌هایی با قدرت تخریب فراوان و با اهداف معین و نامحدود که آثار درازمدتی دارند (ایزدهی و صدیق تقی‌زاده، ۱۳۹۱، ص. ۹).

البته عمده سلاح‌های جنگی در زمان‌های گذشته، تیر و شمشیر و نیزه و امثال آن بود؛ برخی سلاح‌های کشتار جمعی علیه غیرنظامیان نیز وجود داشتند که از میان آن‌ها می‌توان به منجنیق اشاره کرد که در تسخیر شهرها، مواد آتش‌زا پرتاب می‌کردند؛ و یا از سم برای آلوده کردن آب‌ها استفاده می‌کردند. روایات و سیره، بهره‌گیری از این گونه سلاح‌ها را رد می‌کند و با مفروض گرفتن دلیل عقلی در فقه شیعه، عقل نیز براساس اولویت قطعی، حکم به حرمت این گونه سلاح‌ها می‌دهد، زیرا معنا ندارد شارع از یک‌طرف اموری چون حقوق حیوانات و محیط‌زیست، حق حیات بشری و حقوق بشردوستانه را به رسمیت بشناسد و ضمن تأکید بر آن‌ها، مؤمنان را از پیمودن طریق مخالف، منع و نهی نماید و از طرفی، حکم به جواز استفاده از این گونه سلاح‌ها بدهد؛ زیرا سلاح کشتار جمعی، به‌ویژه سلاح‌های هسته‌ای امروزی، از مصادیق «ابزار هلاک حرث و نسل» هستند که نه تنها استفاده از آن‌ها در جنگ مطلوب و مورد خشنودی خداوند نیست، بلکه عملی منکر و مستوجب عقوبت خواهد بود (همان).

۳- ۲- ۱) قواعد قرآنی در اصل تفکیک سلاح مجاز از غیرمجاز

مبانی و اصول استخراجی از آیات قرآن کریم حاکی از ممنوعیت استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی است که از جمله آن‌ها می‌توان به مجموعه آیات مبتنی بر منع افساد و هلاک حرث اشاره نمود؛ درخصوص قاعده ممنوعیت افساد و هلاک حرث و نسل به این دو آیه شریفه بیشتر استناد شده‌است:

«أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده، ۳۳). از محوری‌ترین اصول مورد تأکید اسلام، حق حیات انسان‌هاست. براساس این اصل، اسلام در برابر قتل یک انسان بی‌گناه، چنان موضع سختی اتخاذ می‌نماید که گویا همه انسان‌ها کشته شده‌اند. این آیه شریفه، با مفروض انگاشتن قبح قتل گروهی و جمعی، قتل یک فرد را نیز قبیح فرض کرده و مستوجب عقاب برشمرده‌است. تأکید بر حق حیات انسانی و ضرورت آن موجب شده‌است به

قصاص، به‌عنوان یکی از راهکارهای اسلام برای تضمین حق حیات، توصیه شود و مجازات قتل در برابر قتل، منطقی مفهومی برای صاحبان خرد باشد (ایزدهی و صدیق تقی‌زاده، ۱۳۹۱، ص. ۲۰).

«إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ
الْفُسَادَ» (بقره، ۲۰۵). این آیه و آیات مشابه دیگر منشأ قاعده ممنوعیت سلاح‌های
نابودکننده حرث و نسل است، زیرا یکی از آثار بارز سلاح‌های کشتار جمعی، علاوه بر
نابودی توأمان نظامیان و غیرنظامیان، نابودی گیاهان و متعاقب آن نابودی نسل بشر
است؛ چه بسا این سلاح‌ها ادامه حیات بشری را به‌مخاطره اندازد. بنابراین سلاح‌های
کشتار جمعی و هر نوع سلاحی که سبب از بین رفتن زراعت و حیوانات شود، از مصادیق
فساد در زمین و ممنوع است؛ این حکم شامل سلاح‌های اتمی، شیمیایی و میکروبی
امروزی نیز می‌شود (ر.ک: حسنی، ۱۳۹۱).

۳-۲-۲) تفکیک سلاح ممنوعه از غیرممنوعه در احادیث

رسول گرامی اسلام ﷺ استفاده از روش‌ها و تسلیحاتی را که موجب کشتار
غیرمتعارف می‌شوند، نهی و ممنوع کرده‌است (حرعاملی، ۱۴۰۳ق، ج. ۲۵، ص. ۵۹). همچنین
ایشان و دیگر معصومین علیهم‌السلام در روایت‌های متعدد، پاشیدن سم در مناطق سکونت
مشرکان و یا سوزاندن دشمن با آتش را نهی کرده‌اند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج. ۶، ص. ۱۴۳). شیخ
طوسی در نتیجه بیان می‌کند: «فانه لا يجوز أن يلقى في بلادهم السم» (طوسی، ۱۴۰۰ق، ج.
۱، ص. ۲۹۳)؛ همانا جایز نیست در مناطق کفار سم پاشیده شود. ابن‌ادریس حلی نیز
می‌نویسد: «يجوز قتال الكفار بسائر أنواع القتل و اسبابه إلا بتفريق الساكن فانه لا يجوز أن
يلقى و رميهم بالنيران و القاء سم في بلادهم» (ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج. ۲، ص. ۷). علامه
حلی نیز در کتاب ارشاد بیان می‌کند: «و تجوز المحاربة باصنافهم الا السم ولو اضطر اليه
جاز» (همان، ۱۴۱۰ق، ج. ۱، ص. ۳۴۴). صاحب‌جواهر بر این باور است هر چند تنها راه پیروزی،
مسموم کردن منطقه جنگی باشد، جایز نیست (نجفی، ۱۳۶۲، ج. ۲۱، ص. ۶۸). این نظریه
صاحب‌جواهر، فقیه شیعی، به‌مراتب از قوانین بین‌المللی درباره منع ابزار کشتار جمعی
پیشرفته‌تر است (اکرمی و دیگران، ۱۳۹۴، ص. ۷۹ - ۹۳).

در منابع اهل سنت هم بر عدم‌استفاده سلاح‌های غیرمتعارف و سوزاندن دشمن اشاره
شده‌است؛ به‌عنوان نمونه، ابن‌مسعود از قول رسول خدا ﷺ می‌فرماید: لا تعذبوا بالنار،
لا يعذب بالنار الا رهبا؛ با آتش کسی را عذاب نکنید، زیرا جز خداوند کسی را با آتش عذاب





نمی‌کنند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج. ۶، ص. ۲۲۴). رمی نار به تنهایی به معنای سلاح‌های کشتار جمعی نیست، رمی نار مفهومی عام دارد و با توجه به سیاق روایت می‌توان از آن معنای سلاح کشتار جمعی نیز استخراج کرد.

۳-۲-۳) تفکیک اسلحه در حقوق بین‌الملل

با توجه به اهمیت این موضوع، در قواعد بین‌المللی نیز به تفکیک بین سلاح‌ها اشاره شده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

- اعلامیه سن پترزبورگ، ۲۹ اوت ۱۸۶۸ در ممنوعیت استفاده از برخی سلاح‌ها؛
- پروتکل ژنو، ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵ در منع استعمال گازهای خفغان‌آور، سمی یا مشابه آن‌ها و نیز مواد میکروبی؛

- عهدنامه ۱۰ آوریل ۱۹۸۱ در منع یا محدودیت استفاده از برخی سلاح‌های کلاسیک که می‌توانند منجر به صدمات جبران‌ناپذیر و یا اثرات نامشخص گردند. این عهدنامه شامل سه پروتکل دیگر در زمینه تشعشعات هسته‌ای در بدن انسان، استعمال مین و تله‌های انفجاری و استفاده از سلاح‌های آتش‌زا نیز می‌شود؛

- قرارداد اول ژوئیه ۱۹۶۸ در منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای؛

- قرارداد ۱۱ فوریه ۱۹۷۱ در منع استقرار سلاح‌های هسته‌ای و دیگر سلاح‌های انهدام دسته‌جمعی در کف و زیر کف دریاها و اقیانوس‌ها؛

- قرارداد ۱۰ آوریل ۱۹۷۲ در منع ساخت، تولید و انباشت سلاح‌های میکروبی یا سمی و انهدام انبارهای موجود؛

- قرارداد ۲۶ مه ۱۹۷۲ در محدود کردن سلاح‌های استراتژیکی اتمی (معروف به سالت ۱)؛

- قرارداد ولادی‌وستک ۲۴ نوامبر ۱۹۷۴ در محدود کردن سلاح‌های هسته‌ای؛

- قرارداد ۱۸ مه ۱۹۷۷ در منع استفاده از سلاح‌های اقلیمی؛

- قرارداد ۱۸ ژوئیه ۱۹۷۹ در محدود کردن سلاح‌های استراتژیکی اتمی (معروف به سالت ۲) (ضیایی بیدگلی، ۱۳۶۵، ص. ۱۶-۲۲).

در مقایسه احکام اسلام در جهاد و جنگ با احکام حقوق بین‌الملل در بخش تفکیک سلاح مجاز از غیرمجاز، می‌بینیم که اسلام، کشتار با سلاح‌های غیرمتعارف را به‌طور مطلق ممنوع نموده است ولی در حقوق بین‌الملل، سلاح‌های هسته‌ای تنها محدود شده‌اند نه آن‌که به‌طور کلی منع شده باشند؛ گویی دست بشر برای جنایت باز گذاشته شده است

که این عمل طبق آیه «و لاتزروا وازره وزر اخری» (فاطر، ۱۸) ممنوع است؛ زیرا هیچ کس نباید دچار عواقب وزر و وبالی شود که سبب آن از ناحیه دیگران است. لذا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای نقض این قاعده است، چون عده‌ای از انسان‌های بی‌گناه آسیب می‌بینند.

۳-۳ اصل تفکیک بین امکانه نظامی و غیرنظامی

علاوه بر تفکیک افراد و سلاح‌های مورد استفاده در جنگ، بین مکان‌های نظامی و غیرنظامی نیز باید تفکیک قائل شد. به همین دلیل این اصل در قراردادهای زیر در قوانین بشردوستانه بین‌المللی خودنمایی می‌کند. در ادامه به تبیین این اصل در قرآن، حدیث و قوانین بین‌المللی پرداخته می‌شود.

۳-۳-۱) تفکیک بین مکان‌های نظامی و غیرنظامی در قرآن

اسلام در احکام جهاد پیش از ظهور اندیشه حقوق بشردوستانه در غرب، تفکیک بین اهداف نظامی و غیرنظامی را از مقررات جهاد دینی به‌شمار آورده است. این اصل از اطلاق منع اعتداء در آیه ۱۹۰ سوره بقره استنباط می‌شود. مفسران در تفسیر و تبیین مفهوم اعتداء، ذیل آیه «فَاتْلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُفَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» اعتداء را شامل هرگونه تعدی و تجاوز از حدود و فرامین الهی در جنگ دانسته‌اند و به‌صراحت تخریب امکانه و محیط‌زیست را از معانی اعتداء می‌دانند (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج. ۱، ص. ۲۹۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج. ۲، ص. ۲۰). همچنین علامه طباطبایی بر این باور است که نهی از اعتداء، نهی مطلق است. در نتیجه مراد از آن، مطلقاً هر عملی است که عنوان تجاوز بر آن صادق باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲، ص. ۸۹). طبعاً تخریب امکانه غیرنظامی از مصادیق تجاوز به اهداف غیرنظامی محسوب می‌شود. علاوه بر این خداوند آشکارا با منع قتال در مسجدالحرام به‌عنوان یک مکان غیرنظامی می‌فرماید: «وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُفَاتِلَوْكُمْ فِيهِ». (بقره، ۱۹۱) معمول مفسران معتقدند که منع این آیه از جنگ در مسجدالحرام به‌عنوان مکانی است که باید از مکان‌های دیگر تفکیک شود، و درنهایت اجازه داده است که اگر آن‌ها قتال را در مسجدالحرام شروع کردند، شما نیز در مقام دفاع برآیید. علاوه بر این برخی معتقدند مطابق این آیه، حتی جنگ در محدوده حرم مکه نیز منع شده است (خویی، ۱۴۱۰ق، ج. ۱، ص. ۳۶۹)؛ زیرا تعبیر مسجدالحرام شامل همه منطقه حرم می‌شود (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج. ۹، ص. ۹).

از دیگر آیاتی که به این اصل اشاره دارد، آیه ۴۰ سوره حج است که می‌فرماید: «الَّذِينَ



أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَ لَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمْتُمْ صَوَامِعَ وَ بِيَعَ وَ صَلَوَاتُ وَ مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ.» چهار کلمه صوامع، بیع، صلوات و مساجد بر مکان‌های عبادی و فرهنگی ادیان و اقوام مختلف دلالت دارد. صوامع عبادت‌گاه‌هایی بودند که در بلندی‌ها ساخته می‌شدند. بیع، معبد و محل عبادت یهودیان و مسیحیان، صلوات عبادت‌گاه یهودیان و مساجد مخصوص مسلمان‌ها است (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج. ۱۴، ص. ۳۸۵). علامه طباطبایی بر این اعتقاد است که با توجه به مفهوم جهاد در این آیه، عبارت «وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمْتُمْ صَوَامِعَ وَ بِيَعَ وَ صَلَوَاتُ وَ مَسَاجِدُ» بر حفظ مکان‌های دینی و ممنوعیت جنگ در آن‌ها دلالت دارد. به عبارت دیگر، اسلام به قدری در تفکیک اماکن نظامی از غیرنظامی حساس است که یکی از اهداف مهم و آثار جهاد را حفظ کلیساها، مساجد و دیگر معابد موحدان می‌داند؛ زیرا آنها نشانه بقای توحید و خداپرستی هستند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج. ۱۷، ص. ۲۲۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج. ۲، ص. ۱۵۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۲ق، ج. ۳، ص. ۳۸۱). همچنین می‌توان به «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» در آیه «فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ» (آل عمران، ۹۷) اشاره کرد.

۳-۳-۲) تفکیک بین مکان‌های نظامی و غیرنظامی در حدیث و سیره اهل بیت

این تفکیک در احادیث و سنت امامان معصومین علیهم‌السلام نیز مورد اشاره بوده‌است. از امام صادق علیه‌السلام در ذیل آیه ۹۷ آل عمران سؤال شد؛ امام در جواب فرمود که نزاع و قتل در مکان کعبه ممنوع است و ایجادکننده آن، مشمول حد می‌شود: «... إِذَا أَخَذَتِ الْعَبْدُ جِنَايَةً فِي غَيْرِ الْحَرَمِ ثُمَّ فَرَّ إِلَى الْحَرَمِ لَمْ يَنْبَغِ لِأَحَدٍ أَنْ يَأْخُذَهُ فِي الْحَرَمِ، وَإِذَا جَنَى فِي الْحَرَمِ جِنَايَةً أُقِيمَ عَلَيْهِ الْحَدُّ فِي الْحَرَمِ، لِأَنَّهُ لَمْ يَرَعْ لِلْحَرَمِ حُرْمَةً.» (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج. ۱، ص. ۶۵۶) در سنت نبوی نیز، ممنوعیت تخریب محیط‌زیست، درختان، آب و کشتزارها مورد تأکید واقع شده‌است. در سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌خوانیم: «إِنَّ النَّبِيَّ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم كَانَ إِذَا بَعَثَ أَمِيرًا لَهُ عَلَى سَرِيَّةٍ ... يَقُولُ اغْزِ بِسْمِ اللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ... وَ لَا تَحْرِقُوا النَّخْلَ وَ لَا تَغْرِقُوا بِالْمَاءِ وَ لَا تَقْطَعُوا شَجَرَةً مَثْمَرَةً وَ لَا تَحْرِقُوا زُرْعًا ...؛ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هنگام فرستادن فرمانده‌ای به جنگ می‌فرمودند: با نام خداوند و در راه او جهاد کنید...، نخل‌ها را آتش نزده و آن‌ها را با آب غرق نکنید، درختان میوه را قطع نکنید، مزارع را آتش نزنید...، آبادی‌ها را نابود نکنید، درختان را قطع نکنید...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج. ۵، ص. ۲۹؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق،

ج. ۱۵، ص. ۵۹) این حدیث و احادیث مشابه، علاوه بر منع تعرض به برخی اشیاء نظیر درختان، بر منع نابودی آبادی‌ها یعنی مکان رویدن آنها نیز تأکید می‌کند. همچنین پیامبر اسلام ﷺ تا آنجا که ممکن بود اماکن مسکونی و افراد غیرنظامی را هدف قرار نمی‌دادند، مگر موارد استثنا و اضطرار که دشمن در مناطق غیرنظامی مستقر می‌شد تا از آنجا به مسلمین ضربه وارد کند و هیچ راهی نیز برای فتح و سرکوبی دشمن جز با حمله به آن مناطق وجود نداشت (عظیمی شوستری، ۱۳۸۸، ص. ۱۲۱)؛ مانند نبرد طائف، که پیامبر از حمله به قبیله طاوف و سرزمین‌شان خودداری کرد و قلعه را تنها محاصره کرد و زمانی از منجنیق در تخریب دیوار قلعه‌ها استفاده کرد که آنها روی سپاهیان پیامبر آهن گداخته می‌ریختند (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج. ۳، صص. ۷۰۶-۷۰۷).

۳-۳-۳ تفکیک بین مکان‌های نظامی و غیرنظامی در قوانین بین‌المللی

در قوانین بین‌الملل نیز بین مکان‌های نظامی و غیرنظامی تفکیک صورت گرفته است که در ادامه به بیان مهم‌ترین آنها می‌پردازیم.

- قرارداد سال ۱۹۳۵ در حفاظت از بناهای تاریخی و مراکز علمی و هنری در زمان جنگ؛

- قرارداد ۱۴ مه ۱۹۵۴ لاهه در حفظ میراث فرهنگی در زمان جنگ؛

- در ماده ۱ قراردادهای لاهه، در تعریف اموال فرهنگی چنین آمده است: اموال منقول و غیرمنقولی که برای فرهنگ ملل اهمیت زیادی دارد، از قبیل آثار معماری - هنری، تاریخی - مذهبی یا غیرمذهبی مانند مناظر باستانی، مجموع ساختمان‌هایی که از این حیث دارای ارزش تاریخی یا هنری هستند؛ همچنین آثار هنری و نسخ خطی و کتب و سایر اشیاء که ارزش هنری - تاریخی یا باستان‌شناسی دارند و بناهایی که منظور اصلی و واقعی آنها حفاظت و نمایش اموال منقول فرهنگی است، مانند موزه‌ها، کتابخانه‌های بزرگ، بایگانی‌ها و همچنین پناهگاه‌هایی که در صورت وقوع جنگ، اموال منقول فرهنگی در آنجا نگهداری می‌شود.

- در ماده ۴ قراردادهای لاهه چنین آمده است: طرف‌های معظم متعهد، تعهد می‌نمایند، اموال فرهنگی را چه در سرزمین خود و چه در سرزمین یکی از طرف‌های معظم متعهد، محترم شمرده و استفاده از اموال مزبور و وسایل حفاظتی آنها و مناطق مجاور آنها را که به نحوی در صورت وقوع جنگ، موجب تخریب و یا آسیب به آنها باشد، ممنوع ساخته و از هر عمل خصمانه‌ای در باب آنها خودداری نمایند (استناد به کنوانسیون لاهه در مصوبه الحاق مصوب ۳ اسفند ماه ۱۳۳۷ مجلس شورای ملی).





۳-۴) اصل تفکیک ازمنه ممنوعیت جنگ و عدم ممنوعیت آن

تفکیک میان زمان‌های ممنوعیت و یا عدم ممنوعیت جنگ اصل مهمی است که در قرآن و حدیث و تا حد اندکی در حقوق بین‌الملل به آن پرداخته شده‌است.

۳-۴-۱) تفکیک ازمنه ممنوعیت جنگ در قرآن و احادیث

مطابق آیات قرآن کریم، در برخی از زمان‌ها جنگ حرام است؛ این حکم ماه‌های حرام (ذی‌القعدة، ذی‌الحجه، محرم و رجب) را شامل می‌شود؛ در سوره بقره می‌خوانیم: «يَسْتَأْذِنُكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلٌ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ» (بقره، ۲۱۷). بر همین اساس، دیه قتل‌های غیرعمدی نیز در ماه‌های حرام بیشتر است. در جاهلیت، برخی برای سرپیچی از این قانون، ماه‌ها را جابه‌جا می‌کردند که قرآن با تحریم جابه‌جا کردن ماه‌های حرام می‌فرماید: «إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحِلُّونَهُ عَاماً وَ يَحَرِّمُونَهُ عَاماً لِيُؤَاطُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيَحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زَيْنَ لَهُمْ سُوءَ أَعْمَالِهِمْ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (توبه، ۳۷).

این آیات نشان می‌دهد که خداوند با وارد نمودن عنصر زمان در موضوع جهاد و تفکیک چهار ماه از سال، که قبلاً جنگ در آن‌ها حرام بود، جنگیدن در زمان‌های خاصی را حرام کرده‌است. مطابق اصل تفکیک ازمنه در جهاد، جهاد ابتدایی نیز در این ماه‌ها حرام است. در این حرمت، حکمت‌های عظیمی نهفته است که از جمله آن‌ها، استمهال به کافران برای آشنایی با تعالیم اسلام، احتمال پایان جنگ‌ها و مجال جنگجویان در تفکر و اندیشه، دعوت به صلح و آرامش، امکان انجام مناسک حج، تجارت، فراهم ساختن امنیت عمومی جهت آسایش و سعادت انسان‌ها، عبادات و طاعات او و بسیاری از امور دیگر است (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج. ۶، ص. ۳۵۹)؛ تمام این‌ها از نشانه‌های روح صلح‌طلبی اسلام به‌شمار می‌رود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج. ۷، ص. ۴۰۸). البته حرمت جهاد در این ماه‌ها در برابر کافرانی است که برای این ماه‌ها حرمتی قائل‌اند و در غیر این صورت، جهاد جایز است (قطب راوندی، ۱۴۰۵، ج. ۱، ص. ۳۳۸؛ نجفی، ۱۹۸۱، ج. ۲۱، صص. ۳۲ - ۳۳). همچنین در صورتی که کافران در این ماه‌ها به مسلمانان حمله کنند، مقابله با آنان جایز است (خویی، ۱۴۱۰، ج. ۱، ص. ۳۶۸). در قرآن کریم می‌خوانیم: «الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرْمَتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ.» (بقره، ۱۹۴) برخی به استناد این آیه، برآنند که جهاد ابتدایی در این ماه‌ها با هدف قصاص، با کافرانی که در ماه حرام با مسلمانان وارد جنگ شده‌اند، جایز است، بدین صورت که اگر



کافران در یکی از ماه‌های حرام به مسلمانان حمله کردند، مسلمانان مجازند در یکی دیگر از این ماه‌ها در همان سال یا سال بعد با کافران جهاد کنند. در مقابل، عده‌ای می‌گویند حرمت جهاد در ماه حرام با آیات قتال به‌گونه مطلق نسخ شده‌است؛ در این باره به برخی آیات از جمله آیات ۱۹۳ بقره و بخشی از آیه ۵ توبه «فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ» و نیز سنت پیامبر ﷺ در جهاد با مشرکان طائف در ماه حرام استناد می‌کنند (سرخسی، ۱۴۰۶ق، ج. ۱۰، ص. ۲۶؛ کاسانی، ۱۴۰۹ق، ج. ۷، ص. ۱۰۰؛ بهوتی، ۱۴۰۲ق، ج. ۳، ص. ۴۰). اما بسیاری از جمله علمای امامیه، ناسخ بودن آیات مذکور را نپذیرفته و گفته‌اند، آیاتی که ناسخ بودن آن‌ها ادعا شده، مطلق‌اند و آیات حرمت جنگ در ماه حرام مقید است و مطلق با مقید تعارضی ندارد تا ناسخ آن باشد (قطب راوندی، ۱۴۰۵ق، ج. ۱، ص. ۳۳۸؛ خوبی، ۱۴۱۰ق، ص. ۳۰۲؛ مروارید، ۱۴۱۰ق، ج. ۹، ص. ۱۱۸). افزون بر این، آیه ۵ توبه حکم جهاد با مشرکان را به سپری شدن ماه حرام مشروط کرده‌است «فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ»؛ از این رو نمی‌تواند ناسخ این حکم باشد (خوبی، ۱۴۱۰ق، ص. ۳۰۶). همچنین غزوه طائف ادامه غزوه هوازن بود که مشرکان آغازگر آن بودند (بهوتی، ۱۴۰۲ق، ج. ۳، ص. ۴۰). به علاوه دیدگاه نسخ حکم آیات حرمت جهاد در ماه‌های حرام، با احادیثی که جهاد را در این ماه‌ها حرام می‌دانند نیز ناسازگار است (ابن حنبل، بی‌تا، ج. ۳، ص. ۳۴۵؛ خوبی، ۱۴۱۰، ص. ۳۰۵).

۳-۴-۲) تفکیک از مننه ممنوعیت جنگ در قوانین بین‌الملل

در قراردادهای بین‌المللی تفکیک چندانی میان زمان‌های جنگ قائل نشده‌اند و تنها می‌توان به چهارمین قرارداد عهدنامه‌های ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ اشاره کرد؛ این قرارداد متضمن یک نوآوری است و آن وارد نمودن عنصر زمان، هرچند اندک، در حقوق جنگ است. در بند اول آن چنین آمده‌است: «عهدنامه بهبود سرنوشت مجروحان و بیماران نیروهای مسلح هنگام اردو کشی؛ با توجه به مفاد این عهدنامه در زمان جابه‌جایی نیروهای مجروح، نباید با آن‌ها جنگید.» (قانون اجازه الحاق دولت ایران به قراردادهای معروف به قرارداد ژنو - مصوبه ۳۰/۰۹/۱۳۳۴ مجلس شورا)

چنان‌که مشخص شد، اسلام در مورد زمان‌های ممنوعیت جنگ احکام جامع و کاملی را ارائه داده‌است؛ برخلاف حقوق بین‌الملل بشردوستانه، که به صورت جزئی، به قوانین ممنوعیت جنگ در زمان خاص پرداخته‌است. بنابراین شایسته است جامعه بین‌المللی نیز به تاسی از دستورات انسان‌دوستانه اسلام، زمان‌هایی برای ممنوعیت جنگ در قالب

عهدنامه‌ها و پیمان‌ها در نظر گیرد تا جامعه جهانی در زمان‌های خاصی، در صلح و آرامش باشد. همان‌طور که در حکمت‌های حرمت زمان‌های عدم جنگ در دین مبین اسلام آمده‌است، این احتمال می‌رود که پایان‌یافتن جنگ‌ها بدین‌خاطر است که مجال جنگجویان برای تفکر و اندیشه و دعوت به صلح و آرامش امکان‌پذیر باشد.

نتیجه

با توجه به مطالب ذکرشده، به این نتیجه رسیدیم که اصل تفکیک به‌معنای جدا نمودن مصادیق نظامی از غیرنظامی، از مهم‌ترین اصول پذیرفته‌شده در آموزه‌های اسلام و حقوق بین‌الملل است. مفاد اصل تفکیک، قرن‌ها قبل در آیات قرآن و روایات مورد توجه جدی قرار گرفته بود. درحالی‌که سازمان‌های بین‌المللی بشردوستانه بسیار دیرتر و آن هم در دوره معاصر به‌صورت قراردادهای بین‌المللی آن را به جامعه جهانی عرضه داشته‌اند. گونه‌های اصل تفکیک، شامل تفکیک بین افراد، امکانه، ازمنه، اسلحه و روش‌های به‌کارگیری آن‌ها در جنگ است. آیات جهاد در قرآن کریم بزرگ‌ترین مستند مکتب اسلام بر تفکیک افراد نظامی از غیرنظامی، مکان‌ها، زمان‌های جنگ، روش‌ها و سلاح‌های جنگی است. آیات متضمن منع فساد و هلاکت حرث و نسل، قاعده وزر، عدالت‌ورزی و نفی اثم، بر ممنوعیت سلاح‌های کشتار جمعی و به‌تعبیری بر اصل تفکیک سلاح‌های مجاز و غیرمجاز دلالت دارد. همچنین درحالی‌که اصل تفکیک زمان‌های ممنوع جنگ و مخاصمه، در قواعد و قوانین جامعه بین‌الملل کم‌رنگ است، در قرآن کریم به‌روشنی به آن پرداخته شده‌است.



منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه. قم: مؤسسه نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق.

ابن‌ادریس حلی، ف. (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. (ج. ۱-۲). قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.

ابن‌حنبل، ا. (بی‌تا). مسند احمد. (ج. ۳). بیروت: دار صادر.

ابن‌کثیر دمشقی، ا. (۱۴۰۷ق). البدایة و النهایة. (ج. ۴). بیروت: دارالفکر.

ابن‌منظور، م. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. (ج. ۶). بیروت: دار صادر.

ابوالفتوح رازی، ح. (۱۴۰۸ق). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. (ج. ۳). مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

اکرمی، ر.؛ محمدی زرینی، س.؛ عبدی، م. (۱۳۹۴). ممنوعیت استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی از دیدگاه فقه اسلامی. مطالعات فقه امامیه، ش ۴، صص ۷۹-۹۳.

اخگری بناب، ن.؛ قربان‌نیا، ن. (۱۳۹۰). عدم مشروعیت کاربرد سلاح هسته‌ای در پرتو اصل تفکیک با رویکرد اسلامی. مجله حقوق اسلامی، ش ۳، صص ۷۳-۱۰۳.

ایزدهی، س.؛ صدیق تقی‌زاده، ص. (۱۳۹۱). ممنوعیت استفاده از سلاح کشتار جمعی (نقد و بررسی ادله). علوم سیاسی، ش ۶۰، صص ۷-۲۷.

اقبال، ک. (۱۳۹۷). جنگ اطلاعات از منظر اصل تفکیک رزمندگان و غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه، پژوهش‌های حقوقی، ش ۳۴، صص ۷۱-۱۰۹.

بحرانی، ه. (۱۴۱۵ق). البرهان فی تفسیر القرآن. (ج. ۱). قم: موسسه البعثة.

بهوتی، م. (۱۴۰۲ق): کشف القناع. (ج. ۳). (به کوشش: ه. مصیلحی). بیروت: دارالفکر.

جرجانی، ح. (۱۳۷۷). جلاء الأذهان و جلاء الأحزان. (ج. ۱). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

جزری، ع. (۱۴۰۹ق). اسد الغابة فی معرفة الصحابة. (ج. ۲). بیروت: دارالفکر.

جعفری، س. ا. (۲۰۱۶م). تحلیل ابزارها و روش‌های ممنوعه در جنگ از دیدگاه اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه. تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران.

جهان‌تیغ، ح.؛ نجفی، ح. (۱۳۹۷). نقش و جایگاه پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ در

حقوق بین‌الملل. جستارهای حقوق عمومی، ش ۲(۵)، صص ۴۲-۶۱.



- حبیبی، ه؛ رضانی، ص. (۱۳۹۳). وضعیت حقوقی سیر انسانی داوطلبانه در حقوق بشردوستانه بین‌المللی. پژوهش حقوق عمومی، ش ۱۶(۴۵)، ص ۷۷-۱۰۳.
- حرعاملی، م. (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة. (ج. ۱۵). قم: مؤسسه آل‌البیت.
- حرعاملی، م. (۱۴۱۲ق). وسائل الشیعة. (ج. ۱۵). قم: مؤسسه آل‌البیت.
- حرعاملی، م. (۱۴۰۳ق). الفوائد الطوسیة. (ج. ۲۵). قم: المطبعة العلمية.
- حسینی، ا. (۱۳۹۱). منع استفاده از تسلیحات کشتار جمعی از منظر فقه. تهران: همایش فقه هسته‌ای.
- حسینی شیرازی، س. م. (۱۴۰۹ق). الفقه. (چاپ دوم، ج. ۴۷). بیروت: دارالعلوم.
- خویی، ا. (۱۴۱۰ق). منهاج الصالحین. (ج. ۱). قم: نشر مدینه‌العلم.
- زنجیریان، ا. ح. (۱۳۸۱). حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه. در: مجموعه مقالات بررسی تحولات اخیر حقوق بشردوستانه بین‌المللی. دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران: دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه.
- سرخسی، ش. (۱۴۰۶ق). المبسوط. (ج. ۱۰). بیروت: دارالمعرفه.
- شهید ثانی، ز. (۱۴۰۹ق). روضه البهیة فی شرح المعجمه الدمشقیة. نجف: مکتبه الداوری.
- ضیایی بیدگلی، م. ر. (۱۳۶۵). نگرش اجمالی به حقوق جنگ. حقوقی بین‌المللی، ش ۶، صص ۴۷-۸۸.
- طباطبایی، م. ح. (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. (ج. پنجم، ج. ۲). (مترجم: م. ب. موسوی همدانی). قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طباطبایی، م. ح. (۱۳۶۷). تفسیر المیزان. (ج. ۶). تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- طباطبایی، م. ح. (۱۳۷۸). تفسیر المیزان. (ج. ۱۴). تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- طبرسی، ا. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. (ج. سوم، ج. ۲). تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طبری، م. (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. (ج. ۱-۲، ۱۷). بیروت: دارالمعرفه.
- طوسی، م. (۱۴۱۲ق). التبیان فی تفسیر القرآن: ۱۰ جلد، ج. ۱. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- طوسی، ج. (۱۴۰۰ق). النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی. (ج. دوم، ج. ۱). بیروت: دارالکتب العربی.

- طوسی، ج. (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحكام. (ج. چهارم، ج. ۶). تهران: دارالکتب الإسلامية.
- ظاهری، ع.ر. (۱۳۷۷). تمایز بین نظامیان و غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه بین المللی و تطبیق با قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران. دادرسی، ش ۱۲، صص ۵۸-۶۲.
- عظیمی شوشتری، ع.ع. (۱۳۸۸). قوانین و مقررات بشردوستانه در سیره پیامبر اسلام. حکومت اسلامی، ش ۱۴ (۵۲)، صص ۱۱۱-۱۳۸.
- علامه حلی، ح. (۱۴۱۴). تذکرة الفقهاء، قم: آل البيت.
- فراهیدی، خ. (۱۴۰۹ق). العین. قم: دارالهجره.
- فیض کاشانی، م. (۱۴۰۲ق). تفسیر الصافی. (ج. ۳). بیروت: اعلمی.
- قربان نیا، ن. (۱۳۷۸). اخلاق و حقوق بین الملل. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛ انتشارات سمت.
- قربان نیا، ن. (۱۳۸۷). حقوق بشر و حقوق بشردوستانه. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- قرطبی، م. (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن. (ج. ۱۶). تهران: ناصر خسرو.
- قطب راوندی، س. (۱۴۰۵ق). فقه القرآن فی شرح آیات الأحكام. (ج. دوم، ج. ۱). قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- کاسانی، ع. (۱۴۰۹ق). بدائع الصنائع. (ج. ۷). پاکستان: المكتبة الحبيبيه.
- کلینی، ج. (۱۴۰۷ق). الکافی. (چاپ چهارم، ج. ۵). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کلینی، م. (۱۴۲۹ق)، الکافی، قم: دارالحدیث.
- مروارید، ع.ا. (۱۴۱۰ق / ۱۹۹۰م). سلسله الینایع الفقهیه. بیروت: دارالتراث.
- مطهری، م. (۱۳۹۰). مجموعه آثار (فقه و حقوق). ج. ۲۱. قم: انتشارات صدرا.
- مغنیه، م.ج. (۱۴۲۴ق). تفسیر الکاشف. (ج. ۱). تهران: دارالکتب الإسلامية.
- مقریزی، ت. (۱۴۲۰ق). امتاع الاسماع به ما للنبی من الاحوال و الاموال و الحفدة و المتاع. (ج. ۲). بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مکارم شیرازی، ن. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. (ج. ۲). تهران: دارالکتب الإسلامية.
- مؤمن، م. (۱۳۸۰). «جهاد ابتدایی در عصر غیبت»، مجله فقه اهل بیت، ش ۲۶، صص ۳-۷.
- نجفی، م.ح. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. (ج. هفتم، ج. ۲۱). بیروت:

دار إحياء التراث العربی.

نجفی، م. ح. (۱۳۶۲). جواهر الکلام. (ج. ۲۱). تهران: دارالکتاب الاسلامیه.

نسائی، ا. (۱۴۱۱ق). السنن الکبری. (ج. ۵). بیروت: دارالکتب العلمیه.

نگهداری، ع. (۱۳۸۶). جنگ غیرنظامیان و حقوق بشر دوستانه در اسلام. معرفت، ش ۱۱۸، صص ۳۳-۴۲.

نوری، ح. (۱۳۶۶). جهاد. (ج. ۱۱). تهران: نشر فرهنگ اسلامی.

هیكل، م. خ. (۱۴۱۷ق). الجهاد و القتال فی السیاسه الشرعیه. بیروت: دارالاضواء.

واقدی، م. (۱۴۰۹ق). المغازی. (ج. ۳). بیروت: موسسه الاعلمی.



References

Holy Quran.

Nahj al-Balagha.

ابن إدريس حلي، ف (1410 AH). Al-Sarai Al-Hawi to write the fatwas (Vols. 1-2). Qom: Islamic Publishing Foundation is a subsidiary of the teachers' association.

ابن حنبل، ا. (بيتا). مسند احمد (J.3). Beirut: Dar Sadr.

Ibn Kathir Damascus, A. (1407 AH). The beginning and the end (Vol 4). Beirut: Dar al-Fikr.

Ibn Manzur. (1414 AH). Lisan al-Arab (Vol. 6). Beirut: Dar Sad.

Abolfotuh Razi, H. (1408 AH). Rud al-Jannan and Ruh al-Jannan in the interpretation of the Qur'an. (J.3). Mashhad: Quds Razavi Islamic Research Foundation.

Akrami, R. ; Mohammadi Zarini, S. ; Abdi, M. (1394). Prohibition of the use of weapons of mass destruction from the perspective of Islamic jurisprudence. Studies of Imami jurisprudence, vol. 4, pp. 79-93.

Akhgari Bonab, N. ; Sacrifice, N. (1390). The illegitimacy of the use of nuclear weapons in the light of the principle of separation with an Islamic approach. Journal of Islamic Law, pp. 73-103.

God, S. ; صديق تقىزاده، ص. (1391). Prohibition of the use of weapons of mass destruction (critique of evidence). Political Science, Vol. 60, pp. 7-27.

Eghbali, K. (1397). Information warfare from the perspective of the principle of separation of combatants and civilians in armed conflict, Legal Studies, Vol. 34, pp. 71-109.

Critical, h. (1415 AH). Argument in the interpretation of the Qur'an. (J.1). Qom: Al-Ba'ath Institute.

بهوتی، م (1402 AH): The discoverer of persuasion. (J.3). (By: H. Masilahi). Beirut: Dar al-Fikr.

جرجانی، ح (1377). Jalala al-Azhan and Jalaa al-Ahzan. (J.1). Tehran: University of Tehran Press.

جزری، ع (1409 AH). Assad al-Ghaba in the knowledge of the companions. (J.2). Beirut: Dar al-Fikr.

Jafari, S.A. (2016). Analysis of tools and methods prohibited in war





from the perspective of Islam and international humanitarian law. Tehran: Publishing Office of the Ministry of Foreign Affairs of the Islamic Republic of Iran.

Jahantigh, H. ; Najafi, H. (1397). The role and place of protocols to the 1949 Geneva Convention in international law. Public Law Inquiries, Vol. 2 (5), pp. 42-61.

Habibi, H. ; Ramezani, p. (1393). Legal status of voluntary human shield in international humanitarian law. Public Law Research, Vol. 16 (45), pp. 77-103.

حرعاملی ، م (1409 AH). Details of Shiite means to study Sharia issues. (J.15). Qom: Al-Albait Institute.

حرعاملی ، م (1412 AH). Shiite means (c. 15). Qom: Al-Bayt Institute.

الفوائد الطوسيه. (ج ٢٥). (1403 AH). حرعاملی ، م Qom: Scientific Press.

Hassani, A. (1391). Prohibition of the use of weapons of mass destruction from the perspective of jurisprudence. Tehran: Conference on Nuclear Jurisprudence.

Hosseini Shirazi, S.M. (1409 AH). Jurisprudence. (Second Edition, vol. 47). Beirut: Darul Uloom.

خوبی ، ا (1410 AH). Minhaj Al-Saleheen. (J.1). Qom: Publication of the City of Science.

Zanjirian, A.H. (1381). Supporting civilians in armed conflict. In: A Collection of Articles Reviewing Recent Developments in International Humanitarian Law. Faculty of Law and Political Science, University of Tehran: Secretariat of the National Committee for Humanitarian Law.

Sarakhsi, Sh. (1406 BC). المبسوت. (J.10). Beirut: Dar al-Ma'rifah.

Shahid Thani, Z. (1409 AH). الضه البهيه فى شرح اللعه دمشقيه. Najaf: Al-Dawari School.

Ziaee Bidgoli, M.R. (1365). Overview of the law of war. International Law, Vol. 6, pp. 47-88.

Tabatabai, M.H. (1374). Interpretation of the balance. (Ch. V, vol. 2). (Translator: MB Mousavi Hamedani). Qom: Islamic Publications Office, Society of Seminary Teachers.

Tabatabai, M.H. (1367). Interpretation of the balance. (Vol. 6). Tehran: Raja Cultural Publishing Center.

- Tabatabai, M.H. (1378). Interpretation of the balance. (Vol. 14). Tehran: Raja Cultural Publishing Center.
- Tabarsi, A. (1372). Complex of Statement in the Interpretation of the Qur'an. CH. Third, vol.2). Tehran: Naser Khosrow Publications.
- Tabari, M. (1412 AH). Comprehensive statement in the interpretation of the Qur'an. (J.1-2, 17). Beirut: Dar al-Ma'rifah.
- Tusi, M. (1412 AH) Al-Tibyan in the interpretation of the Qur'an: 10 vols. 1. Beirut: House for the Revival of Arab Heritage.
- Tusi, J. (1400 AH). The end in the single jurisprudence and fatwas. (Ch. II, vol. 1). Beirut: Arabic Library.
- طوسی، ج (1407 AH). Tahdhib Al-Ahkam. (Ch. IV, vol. 6). Tehran: Islamic Library.
- Zaheri, A. R. (1377). Distinguish between the military and civilians in international armed conflicts and comply with the law of the Army of the Islamic Republic of Iran. Proceedings, (12), pp. 58-62.
- Azimi Shoushtari, A.A. (1388). Humanitarian laws and regulations in the life of the Prophet of Islam. Islamic Government, Vol. 14 (52), pp. 111-138.
- Allameh Halli, H. (1414). Note of the jurists, Qom: Al-Albayt.
- Farahidi, Kh. (1409 AH). العین. Qom: Dar al-Hijra.
- Faiz Kashani, M. (1402 AH). Tafsir al-Safi. (J.3). Beirut: Science.
- Sacrifice, n. (1378). Ethics and International Law. Tehran: Institute of Islamic Culture and Thought; Side Publications.
- Sacrifice, n. (1387). Human rights and humanitarian law. Tehran: Institute of Islamic Culture and Thought.
- قرطبی، م (1364). The comprehensive rules of the Qur'an. (J.16). Tehran: Nasser Khosrow.
- Qutb Rawandi, S. (1405 AH). Fiqh of the Qur'an in the explanation of the verses of the rules. (Ch. II, vol. 1). Qom: Library of Ayatollah Marashi Najafi.
- Kasani, A. (1409 AH). Innovations of industry. (J.7). Pakistan: Al-Habibiya School.
- Clini, J. (1407 AH). Enough. (Fourth Edition, vol. 5). Tehran: Islamic Library.
- Clini, m. (1429 AH), Al-Kafi, Qom: Dar al-Hadith.





- Morvarid, A.A. (1410 AH / 1990 AD). Al-Yanabi Al-Fiqh Series. Beirut: Dar Al-Tarath.
- Motahari, M. (1390). Collection of works (jurisprudence and law). ج ٢١.. Qom: Sadra Publications.
- Mughniyeh, M.J. (1424 AH). Interpretation of the discoverer. (J.1). Tehran: Islamic Library.
- Muqrizi, T. (1420 AH). Imta "s hearing to us for the Prophet from his wealth, property, protection and obedience. (J.2). Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
- Makarem Shirazi, n. (1374). Sample Interpretation. (J.2). Tehran: Islamic Library.
- مؤمن, م. (1380). "Elementary Jihad in the Age of Absence", Journal of Ahl al-Bayt Fiqh, vol. 26, pp. 3-7.
- Najafi, M.H. (1404 AH). The jewel of the word in the explanation of the laws of Islam. (Ch. 7, vol. 21). Beirut: House for the Revival of Arab Heritage.
- Najafi, M.H. (1362). Jewelry. (Vol. 21). Tehran: Islamic Library.
- Women, A. (1411 AH). السنن الكبرى. (J.5). Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
- Maintenance, p. (1386). Civil War and Humanitarian Rights in Islam. Knowledge, p. 118, pp. 33-42.
- Noori, H. (1366). Jihad. (J.11). Tehran: Islamic Culture Publishing.
- Hikala, M.Kh. (1417 AH). Jihad and fighting in the politics of Sharia. Beirut: Dar Al-Azwa.
- Waqdi, M. (1409 AH). المغازی. (J. 3). Beirut: Scientific Institute.